



مدل مکنون از رابطه ساختاری بین ابعاد خردمندی و تعالی خود

رقیه قربانی^۱

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

چکیده

امروزه مطالعه و بررسی متغیرهای روان‌شناسی مثبت همچون خردمندی و تعالی خود مورد توجه پژوهش‌گران حوزه روان‌شناسی قرار گرفته است. هدف از مطالعه حاضر بررسی روابط ساختاری بین مؤلفه‌های خردمندی و تعالی خود در قالب مدلی مکنون است؛ به همین منظور، از دو پرسش‌نامه تعالی خود لونسون (۲۰۰۵) و مقیاس خودسنجی خردمندی (Webster, 2007) برای انجام تحقیق استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز است، که از این تعداد ۳۳۸ نفر به روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. پس از تحلیل داده‌ها، نتایج از هم‌بستگی بین مؤلفه‌های خردمندی و تعالی خود حکایت داشت و تحلیل مدل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos، بیان‌گر آن است که خردمندی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار تعالی خود است ($\beta = 0.78$, $p = 0.001$) و می‌تواند ۶۱ درصد ($R^2 = 0.61$) از تغییرات تعالی خود را پیش‌بینی کند. بر اساس نتایج این پژوهش، با توجه به اینکه تعالی خود از طریق خردمندی پیش‌بینی پذیر است، پیشنهاد می‌گردد که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی در ارگان‌ها و دستگاه‌های مختلف، به پرورش خردمندی پرداخته شود، تا با خردمندتر شدن افراد جامعه، زمینه رشد و تعالی آنها فراهم شود.

واژگان کلیدی: خردمندی، تعالی خود، شهروند، مدل مکنون.



تعالی خود^۱ که به‌عنوان ویژگی مثبت، در اکثر مذاهب بزرگ دنیا مثل اسلام، مسیحیت و بودایی بیان شده است (Aldwin, Igarashi & Lvenson, 2019) که اشاره به گسترش دیدگاه خود نسبت به زندگی است و شامل پذیرش معنویت، یافتن معنا و هدف در زندگی، خوش‌بینی نسبت به آینده، مقابله با مشکلات و همچنین استفاده از رویکردهای مبتنی بر قدرت و ارتباط با دیگران است (Reed, 2008). تعالی خود می‌تواند به‌عنوان تمایل ذاتی و درونی برای کشف معنی در زندگی نیز ذکر شود (Frankl, 2000). این توانایی حرکت به ورای چشم‌انداز خودمحوری، به‌طور خاص، عنصر مهمی در خردمندی است (Lee & Levenson, 2005). برخی مفهوم تعالی کهن‌سالی را در کنار تعالی خود بیان کرده‌اند، که اشاره به فرایند خودمختاری تعالی خود در بسیاری از بزرگسالان دارد و شامل کاهش اتکای خود به سازوکارهای اجتماعی و افزایش احساس پیوستگی با نسل گذشته و آینده است. تعالی کهن‌سالی در سال‌های پیری اغلب با نبود انتظارات اجتماعی و کاهش اتکا به خانواده و دوستان همراه است؛ اما فرایندی که رشد تعالی را منحصر به سن بزرگسالی بدانند، بسیار نادر است (Capspi & Moffitt, 2001) و به‌وضوح بعضی از انواع بلوغ و پختگی در فکر و عمل در اوایل بزرگسالی وجود دارد که بزرگسالان جوان، همانند افراد مسن‌تر، رشد بعضی از شاخص‌های عقلانی را نشان می‌دهند. برخی محققان تعالی خود را صفتی پایدار می‌بینند و برخی نیز از آن به‌مثابه نتیجه فرایند رشدی با جنبه‌هایی از خرد و یا گذرگاهی به سوی خردمندی یاد می‌کنند (Curnow, 1999).

لونسون جینینگ، لی و آلدین^۲ (۲۰۰۲) مفهوم تعالی خود را به‌عنوان مکمل مفهوم خرد بیان کرده‌اند. لونسون جینینگ، آلدین و شیراشی (۲۰۰۵) اندازه‌گیری مفهوم تعالی خود را برپایه مطالعه خردمندی فیلسوفی به نام کورنو (۱۹۹۹) آغاز کردند. کورنو چهار ویژگی

مدل مکنون از رابطه ساختاری بین ابعاد خردمندی و تعالی خود

اصلی خردمندی (خودآگاهی، انفصال^۱، یکپارچگی^۲ و تعالی خود^۳) را در فلسفه اروپا و آسیا مشخص کرده است. لونسون و دیگران (۲۰۰۵) مطرح می‌کنند که چهار ویژگی در نظریه کورنو می‌تواند به‌عنوان مراحل تحولی خود، مفهوم‌سازی شود. خودآگاهی به آگاهی فرد از اینکه چگونه ادراک و احساس از خود می‌تواند نقش‌ها، ارتباطات و باورها را شکل دهد اشاره دارد. انفصال به آگاهی از ناپایداری جنبه‌های بیرونی ادراک فرد از خود اشاره دارد یکپارچگی به معنای غلبه کردن بر جدایی، میان «خودهای درونی^۴» متفاوت و پذیرش و یکپارچه کردن همه جنبه‌های خود در فرد است و درنهایت، تعالی خود به استقلال، از توصیفات بیرونی و از بین بردن مرزهای ذهنی میان خود و دیگران اشاره دارد. مؤلفان استدلال می‌کنند، که تعالی خود بالاترین مرحله رشد خود و به معنای از بین بردن موانع هم‌دلی^۵، فهم و یکپارچگی^۶ است و می‌تواند با خردمندی معادل باشد (Lee & Levenson, 2005).

در مورد خردمندی، معمولاً تعریفی که مورد توافق همگان باشد، وجود ندارد (Ardelt, 2003 & Cramer, 2000) تا جایی که برخی محققان بیان می‌کنند، که عملیاتی کردن مفهوم خردمندی کار آسانی نیست (Taylor, Baltes, & Webster, 2011)؛ ولی با وجود این، برخی پژوهش‌گران ادعا می‌کنند، که نوعی هم‌نوایی تاریخی و فرهنگی برای مفهوم خردمندی، وجود دارد (Bluck & Gluck, 2007) و خردمندی از تأمل در چالش‌های زندگی ظاهر می‌شود. (Staudinger & Gluck, 2011).

خردمندی^۷ به‌عنوان یکی از توانمندی‌های مثبت انسان‌ها (Kalyar & Kalyar, 2018) در اعصار مختلف تاریخی، در رده بالاترین فضایل دیده شده است (Walsh & Reams, 2015) و یکی از بالاترین اشکال دانش و مهارت تعریف شده است (Staudinger & Gluck, 2010).

1. detachment
2. ego-integrity
3. self-transcendence
4. inner selves
5. empathy
6. integrity and understanding
7. wisdom



وبستر (۲۰۰۷) یکی از پژوهش‌گرانی است که به‌مبنای رویکردی رسمی به ابعاد اجتماعی، انگیزشی، هیجانی و درون‌فردی در خردمندی اشاره می‌کند. وبستر (۲۰۰۷) خردمندی را داشتن شایستگی، اراده لازم و کاربرد تجارب مهم زندگی در تسهیل رشد بهینه خود و دیگران تعریف کرده است که شامل پنج بُعد است؛ بُعد اول تجربه بحران در زندگی است که اشاره به تجارب دشوار و از نظر اخلاقی، چالش‌برانگیزی دارد، که تأثیر عمیق بر فرد می‌گذارد (Webster, 2007)؛ بُعد دوم تنظیم هیجانی است، که به آمادگی و توانایی برای روبه‌رو شدن با هیجانات ظریف و قوی اشاره دارد. بُعد سوم تأمل و یادآوری است؛ به این معنا که افراد خردمند بر روی زندگی خود، به‌منظور معنادهی، حفظ هویت، تشخیص نقاط ضعف و قوت و مواجهه با مشکلات تأمل می‌کنند. بُعد چهارم گشودگی و باز بودن است، که به تمایل افراد خردمند در توجه به احتمالات، چشم‌اندازها و روش‌های حل مسئله جدید اشاره دارد، که به آن‌ها برای کسب مهارت‌های بسیار کمک می‌کند و درنهایت، شوخ‌طبعی است که به توانایی دیدن جنبه‌های مضحک زندگی، حتی در موقعیت‌های جدی، اشاره دارد.

در مورد ارتباط و اهمیت خردمندی و تعالی خود، می‌توان به نظریات لایبوی - ویف (۲۰۰۳)، میکلر و استادینگر (۲۰۰۸) لی و لونسون (۲۰۰۵) اشاره کرد؛ به‌علاوه، پژوهش‌گران مختلف نیز به بررسی خردمندی و دیگر متغیرهای حوزه خود پرداخته‌اند، که از جمله می‌توان به خرد و بهزیستی روان‌شناختی (Dortaj & Daneshpayeh, 2022) خرد و خودکارآمدی (Latvia, 2013) خرد و بهزیستی روان‌شناختی و رشد شخصی (عامری، شوقی و حسنی ساطعی، ۱۳۹۸) خرد و خودکارآمدی مقابله (قربانی و خرمایی، ۱۳۹۵) و تعالی خود و شادکامی (لاله‌کانی و دیگران، ۱۳۹۹) اشاره کرد.

با وجود پژوهش‌های خردمندی، با متغیرهای نزدیک و مرتبط با تعالی خود، که در بالا ذکر گردید، پژوهشی که مستقیم ارتباط این دو متغیر را بررسی کرده باشد، یافت نشد و تحقیقات تجربی که بتواند فرضیات نظری را مورد مطالعه قرار دهد، کمتر یافت شد؛ از این‌رو، مطالعه حاضر به بررسی ارتباط این دو سازه در جامعه آماری شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر شیراز پرداخته است و به این مهم می‌پردازد، که ابتدا آیا خردمندی به‌طور

مدل مکنون از رابطه ساختاری بین ابعاد خردمندی و تعالی خود

معنی‌داری بر تعالی خود اثر مستقیم دارد و در نهایت چه میزان از تغییرات تعالی خود، با مؤلفه‌های خردمندی پیش‌بینی‌پذیر است.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه پژوهش حاضر را کلیه شهروندان (زن و مرد) ۱۸ سال و بالاتر شهر شیراز تشکیل می‌دهند. از میان این جامعه تعداد ۳۳۸ شهروند، با روش انتساب تصادفی، به‌عنوان نمونه پژوهش حاضر انتخاب شدند. برای انتخاب این افراد، ابتدا چهار ناحیه تقسیم‌بندی‌شده آموزش و پرورش در نظر گرفته شد؛ سپس از بین هر ناحیه یک منطقه تصادفی انتخاب گردید و از هر منطقه فهرستی از اماکن عمومی مثل کتابخانه‌ها، سازمان‌ها، فرهنگ‌سراها تهیه شد و از بین آنها افرادی با گروه‌های سنی مختلف به‌صورت تصادفی برای نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش مقیاس خودسنجی خردمندی!

این مقیاس توسط وبستر (۲۰۰۳) با ۴۰ آیتم، شامل ۵ خرده‌مقیاس تجربه بحرانی زندگی، تنظیم هیجان، مرور/ تأمل، شوخ‌طبعی و باز بودن به تجربه بر طیف ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) بدون نمره‌گذاری منفی، طراحی شده است. نتایج تحلیل عامل روایی مدل ۵ مؤلفه‌ای را نشان داده و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس معادل ۰/۹۰ و میزان پایایی بازآزمایی آن پس از دو هفته برابر ۰/۸۴ بوده است (Webster, 2007). در ایران نیز مدل پنج‌عاملی نسبت به مدل اصلی، از برازش مطلوبی با داده‌ها برخوردار بوده است (درتاج، کردنوقایی، فراری، جهان و اسماعیلی، ۲۰۱۸). در پژوهش حاضر برای ارزیابی روایی از تحلیل عامل تأییدی که شاخص‌های برازش مطلوب بود و برای بررسی پایایی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که در جدول شماره ۱ ذکر گردیده است.



دانشگاه شیراز

۳۹

دوره ۲، شماره ۲

تابستان ۱۴۰۲

پرسش‌نامه‌ی تعالی خود (ASTI)

لونسون (۲۰۰۵) براساس پرسش‌نامه‌ی تعالی کهن‌سالی (تورتستم) پرسش‌نامه‌ی تعالی خود بزرگسالی (ASTL) را طراحی و آن را بر روی ۳۱۴ نفر از کارمندان دانشگاه، دانشجویان پزشکی و اعضای هیئت علمی با رده‌ی سنی ۱۸-۷۳ سال اجرا کرد. این پرسش‌نامه‌ی ۱۸ آیتمی، با مقیاس درجه‌بندی لیکرت (از کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۴) طراحی شده است. در این پژوهش از ده سؤال مربوط به اندازه‌گیری تعالی خود استفاده شده است. در این پژوهش برای ارزیابی روایی از تحلیل عامل تأیید استفاده شد که شاخص‌های برازش آن مطلوب بود و برای ارزیابی پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن در جدول شماره ۱ ذکر گردیده است.



روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، برای ارائه‌ی تصویری آشکار از عملکرد مشارکت‌کنندگان در متغیرهای پژوهش، ابتدا با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و به کمک نرم‌افزار اسپس‌اس‌اس (نسخه ۲۱)، به بررسی شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) مربوط به هر یک از متغیرهای پژوهش پرداخته شد؛ همچنین از روش آماری همبستگی پیرسون^۱ برای تحلیل و بررسی همبستگی مرتبه‌ی صفر^۲ میان متغیرهای پژوهش استفاده شد؛ سپس برای تحلیل و بررسی مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۱) استفاده شد.

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

برای استفاده از متغیرهای پژوهش در ابتدا پایایی ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ بررسی و در جدول شماره ۱ گزارش گردید.

1. Pearson
2. zero - order

مدل مکنون از رابطه ساختاری بین ابعاد خردمندی و تعالی خود

جدول ۱: پایایی ابزار متغیرهای پژوهش

مقدار	متغیر
۰/۶۹	تجربه
۰/۶۶	تأملی بودن
۰/۶۲	گشودگی
۰/۷۸	تنظیم هیجان
۰/۷۶	شوخ طبعی
۰/۶۰	تعالی خود
۰/۹۰	خردمندی کل

پس از اطمینان از میزان مناسب بودن پایایی ابزار، بررسی اطلاعات توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد و همبستگی متغیرها بررسی شد.

جدول شماره ۲، ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین نمره‌های کل متغیرهای پژوهش همراه با سطوح معنی‌داری آن‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول نیز به آن اشاره شده است، بین ابعاد مختلف خردمندی (تجربه ۰/۳۴، تأملی بودن ۰/۳۱، گشودگی ۰/۳۴، تنظیم هیجان ۰/۴۹ و شوخ طبعی ۰/۳۸) با تعالی خود همبستگی مثبت و معنی‌داری دیده می‌شود.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش میانگین و انحراف معیار

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	SD	M
۱. تجربه	۱						۵/۵۴	۳۷/۵۱
۲. تأملی	۰/۴۹**	۱					۶/۲۰	۳۷/۶۱
۳. گشودگی	۰/۵۱**	۰/۴۴**	۱				۵/۵۷	۳۳/۹۷
۴. هیجان	۰/۵۰**	۰/۴۸**	۰/۴۳**	۱			۵/۷۴	۳۵/۸۵
۵. شوخ طبعی	۰/۳۹*	۰/۴۲**	۰/۵۰*	۰/۵۳**	۱		۶/۳۵	۳۴/۷۹
۶. تعالی خود	۰/۳۴**	۰/۳۱**	۰/۳۴**	۰/۴۹**	۰/۳۸**	۱	۰/۵۶	۴/۴۹
۷. خردمندی	۰/۷۵**	۰/۷۵**	۰/۷۵**	۰/۷۶**	۰/۷۶**	۰/۴۹**	۲۲/۵۱	۱/۷۹

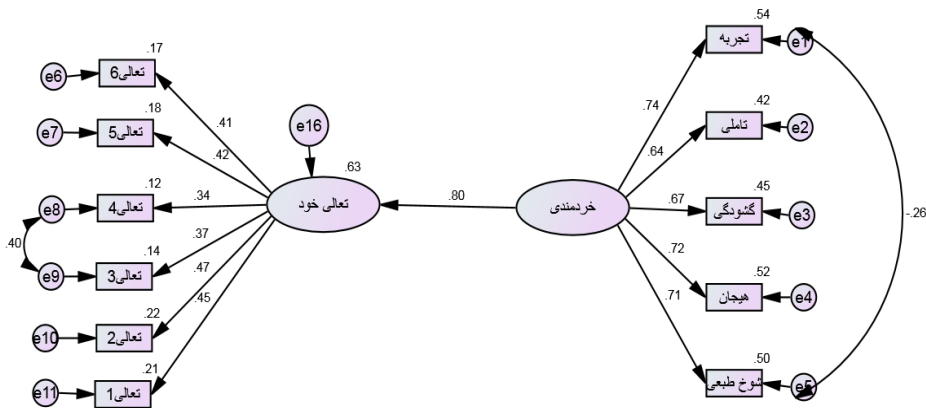
$$*P \leq 0.05 \quad **P \leq 0.01$$

برای تعیین سهم مؤلفه‌های خردمندی در پیش‌بینی تعالی خود، بر اساس پیشینه تحقیقاتی، مدلی طراحی شد که از متغیر برون‌زاد (خردمندی) و متغیر درون‌زاد (تعالی خود)



تشکیل شده است. در این مدل الگوی مفهومی پیشنهادشده با استفاده از روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS (نسخه ۲۱) بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

شکل ۱. مدل مکنون از روابط ساختاری بین خردمندی و تعالی خود



جدول شماره ۴ شاخص‌های برازش این مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴: شاخص‌های برازش مدل نهایی

شاخص	X^2/df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA	P CLOSE
مقدار	۱/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۰۵	۰/۳۶

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، برای تعیین کفایت برازندگی مدل پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مختلف مانند کای اسکوئر (مربع خی)، RMSEA، (ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب)، GFI و AGFI (شاخص برازش مطلق)، CFI، IFI، Tli (شاخص برازش تطبیقی) استفاده شد. شاخص‌های برازندگی بیان‌گر این است که مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است.

در گام اول پس از تنظیم مدل، برازش مدل حاضر بررسی گردید. در گام بعدی، با توجه به شاخص‌های برازش و شاخص‌های اصلاح برون‌داد نرم‌افزار، این مدل اصلاح گردید. مدل با هشت شاخص مورد برازش قرار گرفت. در اولین شاخص نسبت خی دو بر درجه

مدل مکنون از رابطه ساختاری بین ابعاد خردمندی و تعالی خود

آزادی به عنوان معیار بررسی مدنظر قرار گرفت. این مقدار (۱/۹۴) در فاصله قابل قبول برآزش (۱ تا ۳: Kline, 2011) قرار دارد. شاخص GFI برابر ۰/۹۶ به دست آمد (مقدار قابل قبول: بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰؛ Kline, 2011). CFI برابر با ۰/۹۶ (مقدار قابل قبول: بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰؛ Kline, 2011)، شاخص‌های برآزش تطبیقی IFI، TLI به ترتیب برابر ۰/۹۶، ۰/۹۹ بودند (مقدار قابل قبول برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰، میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۱/۲۰۰۶). شاخص RMSEA برابر ۰/۰۵ بود (مقدار قابل قبول کمتر از ۰/۰۸؛ میرز، گامست و گارینو، ۱۳۹۱/۲۰۰۶) و PCLOSE برابر با ۰/۳۶ در سطح قابل قبول مساوی یا بزرگتر از ۰/۰۵ (قاسمی، ۱۳۹۲).

به طور کلی، نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که مدل نهایی از برآزش مطلوبی برخوردار است. در شکل شماره ۲ مدل ساختاری و ضرایب آن مشخص شده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش خردمندی بر تعالی خود در قالب مدلی ساختاری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که خردمندی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنی‌دار تعالی خود است و می‌تواند شصت و یک درصد از تغییرات تعالی خود را پیش‌بینی کند. این نتایج هم‌سو با نظریه‌های لایبوی - ویف (۲۰۰۳)، میکسر و استادینگر (۲۰۰۸) و کورنو (۱۹۹۹) و همچنین تحقیقات لونسون و دیگران (۲۰۰۵) است. این محققان به شیوه‌های مختلف بر اهمیت نقش خردمندی و تعالی خود اشاره کرده‌اند.

نتایج این پژوهش همچنین هم‌سو است با دیگر تحقیقاتی که به ارتباط بین خردمندی و متغیرهای مشابه حوزه خود مثل خرد و بهزیستی روان‌شناختی (Dortaj Daneshpayeh, 2022 & Mazoosaz) تعالی خود و شادکامی (لاله‌کانی و دیگران، ۱۳۹۹) خرد و بهزیستی روان‌شناختی و رشد شخصی (عامری، شوقی و حسنی ساطحی، ۱۳۹۸) خرد و خودکارآمدی مقابله (قربانی و خرمایی، ۱۳۹۵) اشاره کرده‌اند.

در تبیین ارتباط بین خردمندی و تعالی خود، می‌توان نگاهی به ابعاد خردمندی داشت. اولین عنصر خردمندی گشودگی تجربه است. تجربه به‌زعم وبستر (۲۰۰۷) جزیی از خردمندی است؛ ولی هرگونه تجربه‌ای در خردمندی جای ندارد؛ بلکه تنها آن دسته از



تجارب چالش‌برانگیز که در شرایط بحران و حساس زندگی رخ می‌دهد و نیاز به تفکر و کنکاش دارند، باعث رشد و شکوفایی خردمندی می‌شوند؛ بنابراین بدیهی به نظر می‌رسد که افراد در شرایط برخورد با تجربه‌های چالش‌برانگیز به سمت متعالی شدن نیز پیش روند.

در تبیین ارتباط تنظیم هیجان و تعالی خود می‌توان اشاره کرد که افراد خردمند با تنظیم هیجان زیاد، زندگی هیجانی غنی و متفاوتی تجربه می‌کنند (Webster, Westerhof, & Bohlmeijer, 2012) بنابراین، می‌توان گفت تحمل ابهام و ناکامی و همچنین مهار هیجانات برای تأخیر در کامروایی و موفقیت باعث می‌شود، که افراد خردمند در رسیدن به رشد و تعالی فردی، گام بردارند.

نتایج همچنین از ارتباط بعد تأملی بودن خردمندی با تعالی خود، حکایت دارد؛ در تبیین این یافته می‌توان گفت که تأملی بودن شامل تفکر و ارزیابی و داشتن دید انتقادی به مسائل است و برای تبدیل تجارب مهم زندگی به خردمندی لازم است. وبستر (۲۰۰۷) بیان می‌کند برای خردمند شدن، فقط انباشت تجربه‌ها کافی نیست؛ بلکه افراد خردمند در آنچه که تجربه کرده‌اند تأمل می‌کنند، خودمنتقدند و با کنکاش نقاط ضعف و قوت خود، در بهینه‌سازی توانایی‌های خود می‌کوشند. این ویژگی‌ها می‌تواند به رشد و تعالی شخصی فرد کمک کند؛ بنابراین، از این جهت نیز می‌توان ارتباط خردمندی و تعالی خود را تبیین نمود. درنهایت، در تبیین ارتباط شوخ‌طبعی و تعالی خود نیز می‌توان گفت که افراد خردمند با قریحه شوخ‌طبعی می‌توانند بدون ترس و نگرانی، همراه با رعایت حقوق خود و دیگران با عرف و سنت بازی کنند (Webster, 2007) و حتی آن را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود در نظر گیرند و بر این اساس خردمندان با احساس عزت نفس، مفید بودن و خودشکوفایی، می‌توانند زمینه رشد و تعالی خود را فراهم سازند. از این رو، ارتباط بین بُعد شوخ‌طبعی، خردمندی و تعالی خود قابل تبیین است.

به‌طور کلی می‌توان گفت، که خردمندی قدرت قضاوت درست و دنبال کردن صحیح‌ترین روش عمل برپایه دانش، تجربه و فهم است و بالاترین و نقطه ایده‌آل رشد بشر دانسته شده است (Sternberg, 2001)؛ به‌گونه‌ای که فرد خردمند فردی تقریباً کامل و

مدل مکنون از رابطه ساختاری بین ابعاد خردمندی و تعالی خود

چندبعدی است، که جایگاه خود را در زندگی درک می‌کند و از قدرت قضاوت و مشاوره خوب در موضوعات دشوار و نامشخص زندگی برخوردار است (Staudinger & Gluck, 2010)؛ بنابراین، بدیهی به نظر می‌رسد، که داشتن چنین قدرتی می‌تواند زمینه‌های رشد معنویت و تعالی خود انسانی را به‌عنوان یک ویژگی مثبت برای کشف معنی (Frankl, 2000) و مفهوم در زندگی فراهم سازد.

یافته‌های این پژوهش از جنبه نظری و عملی، دارای کاربردهای بسیاری است. از طرفی، ارتباط بین سازه‌های خردمندی و تعالی خود، بیشتر نظری هستند و پژوهش‌های تجربی اندکی به بررسی این مهم در عمل پرداخته‌اند؛ بنابراین، نتایج این پژوهش هم می‌تواند به بدنه علمی روان‌شناسی خردمندی برای رشد و تعالی خود کمک کند و هم می‌تواند پیام‌های مهمی برای سیاست‌گذاران در دستگاه‌های مختلف اجرایی داشته باشد تا با فراهم‌سازی محیط‌های غنی خانوادگی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و ... بتوانند به تمهید مقدمات رشد تعالی خود و انسانی در بستر خردمندی بپردازند.

در باب محدودیت‌های این پژوهش می‌توان گفت، که انجام این پژوهش روی گروهی از شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر شیراز صورت گرفت؛ ولی امکان مقایسه نتایج در گروه‌های مختلف در این پژوهش فراهم نشد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده در نمونه‌هایی با پراکندگی سنی گسترده و در گروه‌های مختلف فرهنگی صورت گیرد و نتایج رده‌های سنی مختلف باهم مقایسه گردد.

B B B

منابع و مآخذ

- عامری، محمدعلی؛ شوقی، بهزاد و حسنی ساطحی، حسین (۱۳۹۸). «ارائه مدلی به منظور ارتقای خرد در راستای بهبود سرمایه روان‌شناختی، بهزیستی روان‌شناختی، سلامت روان و گرایش‌های مطلوب اجتماعی (مورد مطالعه: سربازان مرکز آموزشی مالک اشتر)».
- آموزش در علوم انتظامی. ۶ (۲۴): ۲۱۳-۲۴۹.
- قربانی، رقیه و خرمایی، فرهاد (۱۳۹۵). «تبیین خردمندی براساس هوش موفق و خودکارآمدی مقابله». روان‌شناسی تحولی. ۴۹: ۴۳-۵۵.



- لاله‌کانی، محبوبه؛ دواتی، علی؛ عیسی‌نژاد، امین و جدید میلانی، مریم (۱۳۹۹). «ارتباط شادکامی با خود-تعالی در سالمندان شهر خشک‌رود شهرستان زرن‌دیه». *پرستاری ایران*. ۳۳ (۱۲۳): ۶-۲۱.
- میرزا، ا. اس؛ گامست، گ. و گارینو، ا. جی (۲۰۰۶ / ۱۳۹۱). *پژوهش چندمتغیری کاربردی*. (ترجمه حسن‌پاشا شریفی، ولی‌الله فرزاد، سیمین‌دخت رضاقلی، حمیدرضا حسن‌آبادی، بلال ایزالو و مجتبی حبیبی). تهران: رشد.
- Aldwin, C. M., Igarashi, H., Levenson, M. R., (2019). "Wisdom As Self-Transcendence". *The Cambridge Handbook of Wisdom*, pp. 122 – 143. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ardel, M, (2003). "Empirical assessment of three dimensional wisdom scale". *Research on Aging*. 25(3): 275-324.
- Bluck, S., & Gluck, J. (2007). "From the inside out: People's implicit theories of wisdom". In R. J. Sternberg & J. Jordan (2007), *A handbook of wisdom: Psychological perspectives*, (pp. 84-109). Cambridge: Cambridge University Press
- Curnow, T. (1999). *Wisdom, intuition, ethics*. Aldershot, UK: Ashgate.
- Daneshpayeh, M., Dortaj, F., Mazoosaz, A. (2022). "Explaining the Model of Psychological Well-Being based on Wisdom Mediated by Feelings of Loneliness in Women". *Woman Social and Psychological Studies*. 20(3):84-102.
- Frankl, V. E. (2000). *Man's Search for Ultimate Meaning*. New York, NY: Basic Books.
- Kalyar, M. N., & Kalyar, H. (2018). "Provocateurs of creative performance: Examining the roles of wisdom character strengths and stress". *Personnel Review*. 47(2): 334-352.
- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling*. (3rd Ed). New York: The Guilford Press.
- Kramer, D.A. (2000). "Wisdom as a classical source of human strength: conceptualization and empirical scrutiny. *J. Socioty*". *Clinical Psychology*. 19:83–101.
- Latvia, R. (2013). "Factors of resilience wisdom and self efficacy as positive resources of leaders in sample of Latvian". *Problem Psychology*. 5: 96-107.
- Lee, T., & Levenson, M. (2005). "Wisdom as self-transcendence: What's love and individualism got to do with it?". *Research in Personality*. 39 (4): 443- 457.



- Reed, P. G.(2008). *Theory of self-transcendence. Middle range theory for nursing.*, 3th ed. New York: Springer. Sanpiego: Academic press.
- Staudinger, U. M., & Gluck, J. (2011). "Intelligence and wisdom". In R. J. Sternberg & S. B. Kaufman (Eds), *The Cambridge handbook of wisdom*, (PP. 827-846). New York: Cambridge University Press.
- Staudinger.U. M, Gluck J. (2010). Wisdom. In *Cambridge Handbook of Intelligence*, ed. R Sternberg, SB Kaufman. New York: Cambridge Univ.
- Sternberg,R. (2001). "Why schools should teach for wisdom: the balance theory of wisdom in educational settings". *Educ. Psychol.* 36: 227-45.
- Taylor, M., Baltes, G., & Webster, J. D. (2011). "Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS)". *Experimental Aging Research*, 37(2): 129-141.
- Walsh, R & Reams, J. (2015). "Studies of Wisdom: A special issue of integral review". *Integral Rewiew.* 11(2):1-6.
- Webster J. D. (2007). "Measuring the character strength of wisdom". *Int. J. Aging Hum. Dev.* 65:163-83.
- Webster, J. D., Westerhof, G. I. & Bohlmeijer, E, T. (2012). "Wisdom and mental health across the lifespan". *Gerontology.* 69(2): 209-218.
- Webster. J. D. (2003). "An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale". *J. Adultud Deveopment.* 10:13-22.







The latent model of the structural relationship between dimensions of wisdom and self-transcendence

Raqayyeh Ghorbani

Abstract

The study of positive psychological variables such as wisdom and self-transcendence have recently been the focus of psychology research. The purpose of the present study is to examine the structural relationships between the components of wisdom and self-transcendence in the form of a latent model. To this end, Levonson's self-transcendence questionnaire (2005) and wisdom self-assessment scale (Webster, 2007) were used to conduct the research. The statistical population of the current research included the citizens of the city of Shiraz over 18 years old, of whom 338 people were selected by random multi-stage method. After analyzing the data, the results indicated a correlation between the components of wisdom and self-transcendence and the analysis of the structural model using Amos software suggested that Wisdom is a positive and significant predictor of self-transcendence ($p=0.001$, $\beta=0.78$), predicting 61% ($R=0.61$) of the changes in its transcendence. According to the results of this study, since self-transcendence is predictable through wisdom, it is recommended to cultivate wisdom by holding educational workshops in various organizations and institutions, so that by making the people of the society wiser, their growth and transcendence will be furnished.

Keywords: wisdom, self-transcendence, citizen, latent model